

ایده های صحیح انسان از کجا سرچشمه می گیرند؟^(۱)

مائوتسه دون

(می سال ۱۹۶۳)

ایده های صحیح انسان از کجا سرچشمه می گیرند؟ آیا از آسمان نازل می شوند؟ نه. آیا آن ها خصیصه ذاتی مغز انسان هستند؟ باز هم نه. ایده های صحیح انسان فقط از پراتیک اجتماعی سرچشمه می گیرند، یعنی از این سه نوع پراتیک اجتماعی: مبارزه تولیدی، مبارزه طبقاتی و آزمون های علمی.

موجودیت اجتماعی انسان تعیین کننده فکر اوست. ایده های صحیحی که مختص طبقه پیشرو اند، به محض این که توده ها آن ها را فراگیرند، به نیروی مادی جهت تغییر دادن جامعه و جهان بدل خواهند گشت. انسان ها طی پراتیک اجتماعی خود در مبارزات گوناگون شرکت می جویند و تجربیات فراوانی - از کامیابی ها و شکست ها - به دست می آورند. پدیده های بیشمار دنیای خارجی عینی به وسیله اعضای حواس بینجگانه - چشم، گوش، بینی، زبان و بدن - در مغز انسان انعکاس می یابند که در آغاز فقط شناخت حسی به دست می دهند. با تجمع معلومات کافی ناشی از شناخت حسی، به شناخت تعقلی یعنی به ایده بدل می شود. این یک پروسه شناخت است. این نخستین مرحله مجموعه پروسه شناخت، یعنی مرحله گذار از ماده عینی به شعور ذهنی، از هستی به ایده است. در این مرحله این که آیا شعور یا ایده (منجمله تئوری ها، سیاست ها، نقشه ها و تدابیر) قوانین جهان خارجی عینی را به درستی بازتاب می کند یا نه، هنوز ثابت نمی شود و صحت شعور یا ایده نیز هنوز نمی تواند معین شود.

سپس دومین مرحله پروسه شناخت می آید، یعنی مرحله بازگشت از شعور به ماده، از ایده به هستی - در این جا انسان ها شناخت به دست آمده از مرحله اول را در پراتیک اجتماعی به کار می بندند تا ببینند که آیا این تئوری ها، سیاست ها، نقشه ها و تدابیر به کامیابی های پیشبینی شده می انجامند یا نه. به طور کلی، هر آنچه که به کامیابی منجر شود، درست است و هر آنچه که به شکست بینجامد، اشتباه است؛ این امر به خصوص در مورد مبارزه بشر با طبیعت صادق است. در مبارزه اجتماعی، گاهی اتفاق می افتد که نیرو هائی که نماینده طبقه پیشرو اند، با شکست رو به رو می شوند، ولی این به علت آن نیست که گویا ایده های آنان نادرست بوده است، بلکه به این جهت است که در تناسب قوایی که با یکدیگر سرگرم مبارزه اند، نیرو های پیشرو هنوز به قدرت نیرو های ارتجاعی نرسیده اند و از این روست که موقتاً با شکست مواجه می شوند؛ ولی سرانجام روزی فرامی رسد که نیرو های پیشرو پیروز می گردند. شناخت انسان در اثر آزمایش در پراتیک، جهش دیگری می یابد. این جهش به مراتب از جهش اول پراهمیت تر است، زیرا تنها این جهش دوم است که می تواند درستی یا نادرستی جهش اول شناخت را ثابت نماید، یعنی ثابت کند که آیا ایده ها، تئوری ها، سیاست ها، نقشه ها و تدابیری که در پروسه انعکاس جهان خارجی عینی به دست آمده اند، صحیح اند یا نه، راه دیگری برای آزمودن حقیقت موجود نیست.

اما در مورد شناخت پرولتاریا از جهان، وی هدف دیگری به جز تغییر دادن آن ندارد. یک شناخت صحیح اغلب با طی کردن یک پروسه تکرار مکرر حرکت از ماده به شعور و سپس از شعور به ماده، یعنی حرکت از پراتیک به شناخت و سپس از شناخت به پراتیک می تواند به دست آید. اینست تئوری شناخت مارکسیستی، اینست تئوری شناخت ماتریالیسم دیالکتیکی.

در میان رفقای ما بسیاری هستند که هنوز این اصل تئوری شناخت را درک نمی کنند. اگر از آنان سؤال شود که ایده ها، نظرات، سیاست ها و متد ها، نقشه ها و استنتاجات و نطق های بی پایان و مقالات عریض و طویل آن ها از کجا سرچشمه می گیرند؟ آن ها در شگفت شده و پاسخی بدان نمی یابند. برای آن ها امکان

تبدیل ماده به شعور و شعور به ماده نیز غیر قابل درک است؛ هرچند چنین جهیشتی در زندگی روزمره کراراً به چشم می خورد. از این رو، ما باید رفقای مان را با تئوری شناخت ماتریالیسم دیالکتیکی آشنا سازیم تا بتوانند درست فکر بکنند، قادر به تحقیق و مطالعه گردند، تجربیات خود را جمعبندی نمایند، بر دشواری ها فائق آیند، کمتر مرتکب اشتباه شوند و کار خود را به نحو احسن انجام دهند، همه نیروی خود را در مبارزه به کاربرند، کشور سوسیالیستی بزرگ و نیرومندی بنا کنند و برای انجام وظیفه بزرگ و حتمی انترناسیونالیستی ما به توده های وسیع مردم ستمدیده و استثمارزده سراسر جهان کمک نمایند.

یاداشت:

(۱) - اثر حاضر بخشی از "قرار کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در باره بعضی از مسائل کار روستائی در حال حاضر" (لایحه) می باشد. این لایحه تحت نظارت مستقیم رفیق مائو تسه دون تدوین شده و این قسمت توسط شخص رفیق مائو تسه دون نگاشته شده است.

اداره نشرات زبان های خارجی

پکن ۱۹۶۹

بازتایپ: همایون اوریا

۱۱ دسمبر ۲۰۱۷